

واکاوی انگاره‌های جمعیتی در زمینه سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران^۱

مرتضی اشرفی^۲ مجتبی اشرفی^۳

چکیده

در جمهوری اسلامی ایران، اقتدار مشروع و تولید قدرت، مرهون حجم جمعیتی متعادل، توانمندی حکومت در عرضه امکانات و خدمات حمایتی، معیشتی و...، مدیریت منابع طبیعی و درآمد سرانه ملی است. امروزه در ایران اسلامی، علی‌رغم توصیه‌های دینی مبتنی بر تولید نسل، و به واسطه سیاست‌های غلط جمعیتی، حجم جمعیتی که مهم‌ترین عامل کسب قدرت است، در حال تضعیف شدن است. در این وضعیت، برقراری تناسب جمعیتی با توانمندی حکومت در جهت کسب قدرت در سطح ملی و بین‌المللی، تنها با استفاده بهینه از پیک جمعیتی فعال و همچنین افزایش نرخ باروری و رساندن حجم جمعیتی کشور به میزان متعادل خود که اتفاقاً با امکانات و توانمندی‌های ملی و سرزمینی و حکومتی هم متناسب است، مقدور و ممکن می‌باشد. در این مقاله با تبیین نظریات مبتنی بر لزوم تعادل جمعیتی و تولید نسل، انگاره‌های جمعیتی در زمینه سیاست‌های جمعیتی جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، دستاوردها، قدرت، ایران، سیاست‌گذاری جمعیتی.

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۹/۱ و تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۱/۳

۲. دکترای علوم سیاسی، عضو اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه (س) شیراز، پژوهشگر پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه

المصطفی ﷺ جامعه المصطفی العالمیه: mortezaashrafi110@yahoo.com

۳. دکترای تاریخ معاصر ایران، عضو اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه (س) شیراز، engcac@gmail.com



مقدمه

کاهش نرخ باروری و به تبع آن افزایش جمعیت سالمند و کاهش جمعیت جوان، برای هر کشوری یک خسارت بزرگ است که هزینه‌های زیادی را به دولت‌ها و ملت‌ها تحمیل می‌کند. در ابتدا باید به این نکته توجه داشت که امروزه بسیاری از کشورها در حالت عدم تعادل جمعیتی قرار دارند. از يك سو کشورهای در حال توسعه با مشکلات و مسائل رشد بی‌رویه جمعیت دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛ از سوی دیگر جوامع توسعه‌یافته از نتایج منفی شدن رشد جمعیت و سال‌خوردگی جمعیت، دچار آسیب شده‌اند. به عبارت دیگر، اکثریت کشورهای جهان به نوعی با مسائل ناشی از عدم تعادل جمعیتی مواجه‌اند. مؤلف این مقاله در پی تشریح چالش‌ها و مسائل جمعیتی پیش روی جامعه اسلامی ایران، با توجه به پیش‌فرض‌های متون دینی و روایات و از طرف دیگر تجربه‌های جهانی است، تا از این رهگذر با غور در اندیشه بزرگان دینی و آموزه‌های اسلامی، بتوانیم به دیدگاهی جامع و مانع درباره ضرورت، محاسن و احیاناً معایب افزایش جمعیت برسیم و برای حفظ تعادل جمعیتی و جلوگیری از بروز بحران‌های جمعیتی آتی، راهکارهای لازم و اقدامات پیشگیرانه مفید لحاظ شود.

واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهند که اساس شکل‌گیری برنامه‌های تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت‌های بزرگ جهان، از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه‌طلبی و برتری‌طلبی قدرت‌های بزرگ جهانی آغاز شده، و با گذشت زمان رنگ و لعاب کم‌های بشردوستانه و رفاهی و توسعه‌ای به خود گرفته است (زنجانی، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

مفهوم‌شناسی

۱. چیستی و چرایی سیاست جمعیتی^۱

برای سیاست‌های جمعیتی، تا کنون تعریفی جامع و مانع مطرح نشده است. برخی

سیاست جمعیتی را سیاست‌های عکس‌العملی به جمعیت دانسته‌اند؛ برخی دیگر، آن را مجموعه تدابیر و راهکارهای دولتی دانسته‌اند که حدود و چگونگی فعالیت‌های جمعیتی دولت‌ها و امور مربوط به جمعیت را تعیین می‌کنند؛ و گروهی دیگر، تمام قوانین و برنامه‌های دولتی تأثیرگذار بر اندازه، رشد، توزیع و ترکیب جمعیت را سیاست جمعیتی تعریف می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰)؛ اما درمجموع با توجه به این تعاریف و مفاهیم مشابه، می‌توان گفت منظور از سیاست جمعیتی، همان اهداف، برنامه‌ها، و سیاست‌هایی است که در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، در راستای تأثیرگذاری بر مسئله جمعیت و عوامل مرتبط با آن، اجرا می‌شود. سیاست‌های جمعیتی، مجموعه اصول، تدابیر و تصمیمات مدون جمعیتی است که دولت اتخاذ می‌کند. به‌طور کلی، همه سیاست‌های یک کشور که دربرگیرنده رفاه مردم آن کشور باشد، سیاست‌های جمعیتی نامیده می‌شود. در ادامه باید گفت که واژه‌های تنظیم خانواده، بهداشت باروری و کنترل جمعیت، هر کدام علاوه بر اشتراکاتی که دارند، به مبانی یا اهداف معین و متمایزی اشاره می‌کنند.

۲. تنظیم خانواده

تنظیم خانواده به دستورالعمل‌هایی اطلاق می‌شود که طی آن‌ها، بارداری زنان، کنترل و فاصله‌گذاری می‌شود و در نتیجه تعداد جمعیت خانواده کاهش می‌یابد. آگاهی و مسئولیت-پذیری زوجین در این تعریف دخالت جدی دارد (شیخی، بی‌تا، ص ۶۵؛ به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه). این دستورالعمل‌ها گاهی جنبه حکومتی پیدا می‌کند و به یک برنامه تبدیل می‌شود؛ در این صورت به عنوان یکی از سیاست‌های دولت‌ها شناخته می‌شود. بهداشت باروری نیز در کاربرد وسیع و جهانی‌اش به سلسله رفتارهایی اشاره دارد که هدف اصلی‌شان ایمن‌سازی روابط جنسی است. از آنجاکه روابط می‌تواند به بارداری منتهی گردد، این دستورها و رفتارها بهداشت باروری نامیده شده‌اند.

سیاست‌های جهانی تنظیم خانواده

آگاهی از مسائل ناشی از افزایش جمعیت در حال و آینده و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده،



قبل از آنکه در کشورهای در حال توسعه مطرح شود، حول دو مسئله تکامل یافت که یکی جنبه ژئوپولیتیک، و دیگری جنبه انسان‌دوستانه و رفاهی داشت. درخصوص جنبه اول باید خاطرنشان ساخت که از دهه چهل میلادی، طرف‌های پیروز در جنگ دوم، خطر افزایش جمعیت در دو منطقه استراتژیک جهان، یعنی آمریکای لاتین و آسیا را درک کردند. افزایش جمعیت در این دو منطقه، ثبات سیاسی یا به اصطلاح خود آن‌ها، صلح جهانی را در معرض تهدید قرار می‌داد. مسئله دیگر، جنبه انسانی داشت و هدف آن، تأمین رفاه جمعیت از طریق برنامه‌های تنظیم خانواده بود که به عنوان یک حق انسانی، ارزش جهانی یافت. (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵).

رابطه دولت، جمعیت و قدرت حکومتی (داخلی و بین‌المللی)

تقریباً در کلیه رویکردهای سیاست بین‌الملل، دولت به عنوان بازیگر عمده مطرح است. دولت دارای شخصیت حقوقی است که در چارچوب حقوق بین‌الملل، حقوق و وظایفی دارد. درباره چگونگی پیدایش دولت، دانشمندان علم حقوق نظریات متعددی مطرح کرده‌اند که در آن‌ها دولت گاهی به معنای کشور است و منظور از آن، واحدی سیاسی است که دارای جمعیت، قلمرو و قدرت سیاسی یا حاکمیت می‌باشد؛ گاهی نیز به معنای قوه مجریه است که شامل رئیس قوه مجریه و کلیه وزرا می‌شود (ر.ک: آشوری، ۱۳۸۴). با این تعریف می‌توان به نقش اساسی جمعیت به عنوان یکی از پایه‌های اساسی تشکیل دولت‌ها اشاره کرد که بدون این عنصر، دولتی نیز وجود نخواهد داشت.

برای بررسی نقش جمعیت در توسعه و پیشرفت هر دولتی، می‌توان تعداد کل جمعیت و نیز جمعیت بر واحد مساحت (چگالی جمعیت) و همچنین میزان رشد سالیانه جمعیت را در نظر گرفت. حال اگر جدولی از کشورها تهیه کنیم و به ارقام جمعیت، چگالی جمعیت، رشد سالیانه جمعیت، تولید ملی، تولید سرانه ملی و شاخص توسعه انسانی کشورها توجه کنیم، متوجه رابطه‌ای منفی بین شاخص‌های جمعیتی و شاخص‌های توسعه و رفاه می‌شویم که به-خصوص در کشورهای جهان سوم، محسوس و واضح است. غالب کشورهای پرجمعیت دنیا در زمره کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته قرار دارند و بخش عظیمی از جمعیت آن‌ها

فقیرند. کشورهای نظیر چین، هند، پاکستان، نيجريا، جمهوری دموکراتیک کنگو، بنگلادش، اوگاندا، و اتیوپی سریع‌ترین رشد جمعیت را دارند. البته استثنائاتی هم وجود دارد که مهم‌ترین آن، ایالات متحده آمریکا است. در مورد آمریکا باید توجه کرد که اولاً جمعیت این کشور در منطقه‌ای بسیار وسیع و پرآب پخش شده و ثانیاً قسمت اعظم رشد جمعیت آمریکا از مهاجرت است، نه زادوولد داخلی. همچنین اقتصاد باز آمریکا با حجم غول‌آسایی از سرمایه، نیروهای کاری مجرب کشورهای دیگر را جذب می‌کند.

به بیانی دیگر، توان قدرتی یک کشور می‌تواند متأثر از میزان جمعیت و همچنین رشد جمعیتی آن کشور باشد؛ ولی سایر عوامل دخیل در توان تأثیرگذاری یک حکومت در سطح ملی و بین‌المللی، از قبیل اقتصاد را نمی‌توان نادیده گرفت. دیوید ام. هیر^۱ معتقد است حجم جمعیتی به عنوان عاملی تأثیرگذار بر قدرت یک حکومت، ناکافی است و بررسی پنج متغیر اساسی را در تبیین و تعیین قدرت یک دولت - ملت، ضروری می‌داند. هیر، حجم جمعیت، درآمد سرانه، تسلط بر منابع طبیعی، میزان انگیزش و تمایل حکومتی جهت دستیابی به اهداف بین‌المللی، و درنهایت کارایی حکومت در بسیج منابع و وسایل در راستای نیل به این پنج متغیر را از مهم‌ترین عناصر قدرت‌یابی حکومت در سطح ملی و بین‌المللی تلقی می‌کند. وی حجم جمعیتی را از این نظر حائز اهمیت و مهم‌تر از سایر متغیرها می‌داند که در صورت بروز جنگ احتمالی، حجم جمعیتی بالا برای به خدمت گرفته شدن در امور نظامی و انتظامی، امری حیاتی است؛ از طرفی دیگر، اگر جمعیت انبوه یک کشور، به افزایش نیروی فعال و مولد در آن کشور منجر شود، از یک سو، خسارات و لطمات ناشی از جنگ را جبران خواهد کرد و از سوی دیگر پشتوانه‌ای مطمئن برای حفظ و افزایش قدرت یک ملت از منظر اقتصادی و ... خواهد بود؛ به نحوی که حجم زیاد جمعیت و متعاقب آن نیروی کاری و تولیدی فراوان، می‌تواند وسایل و منابع بالقوه‌ای را برای افزایش قدرت ملت در دسترس ایشان بگذارد (هیر، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱-۲۱۵).

1. David m. Heer



سیاست‌های مطلوب جمعیتی اسلام

فزونی جمعیت به عنوان یک قاعده در متون دینی، امری پسندیده است. به عبارت دیگر، اسلام و نیز دیگر ادیان آسمانی، پیروان خود را به افزایش جمعیت باایمان و شایسته در حد توان، توصیه می‌کنند. اما طبیعی است که توجه به مقتضیات زمان، مکان، شرایط اقلیمی، و میزان جمعیت اقتضا دارد که با برنامه‌ریزی، تدبیر و مهیا ساختن زیرساخت‌های لازم، جمعیت را در حدی که امکانات پاسخگوست، تکثیر و متعادل کرد (رضوانی، وبسایت شیعه آن‌لاین). در قرآن، دو دسته آیات در زمینه ازدواج، زادوولد و جمعیت وجود دارد. دسته اول، آیاتی هستند که به طور ضمنی در آن‌ها به فاصله‌گذاری و تنظیم خانواده و توجه به کیفیت فرزندان و تأمین نیازهای آنان تأکید شده و شرایط و زیرساخت‌هایی را برای ازدیاد نسل برشمرده است؛ و دسته دوم آیاتی است که موافق تشکیل خانواده و افزایش موالید است.

برای مثال دسته اول، می‌توان به آیه ۲۳۳ از سوره بقره اشاره کرد که می‌فرماید: «مادران دو سال تمام فرزندان خود را شیر بدهند و این برای کسی است که بخواهد شیر دادن را تمام کند. خوراک و پوشاک زنان شیرده به وجه پسندیده بر عهده مردی است که بچه برایش به دنیا آمده است. بر هیچ کس تکلیفی بیش از توانایی او نمی‌شود؛ نه هیچ مادری به خاطر فرزندش زیان ببیند و نه هیچ پدری».

نکته‌ای که از این آیه می‌توان استنباط کرد، این است که زن می‌تواند در قبال شیر دادن و نگهداری از فرزند، طلب دستمزد کند؛ این بدان مفهوم است که شیر دادن نوزاد، برای زن و همسر مرد، به نوعی، اشتغال محسوب شده و همان‌گونه که در ادامه همین مقاله، اشاره خواهد شد، از این آیه و آیه‌های مشابه می‌توان استنباط کرد که در دین اسلام، اشتغال زنان تأیید شده است؛ مشروط به اینکه به تربیت و نگهداری فرزند که وظیفه اصلی ایشان است، لطمه‌ای نزنند. همچنین آموزه‌های اسلامی با ارج نهادن به نهاد خانواده، آن را محل آرامش و اجتماع تکامل بخش انسانی و فردی زن و مرد می‌دانند و بر نظام خانواده و تربیت فرزند در خانواده‌ای اصیل و آرامش‌دهنده، بسیار تأکید کرده و با توجه دادن مؤمنان به علم وراثت، فراهم آوردن زمینه‌های مساعد و محیط سالم را از عوامل مهم در تربیت فرزند و بارور شدن



نهاد خانواده‌ای سالم می‌داند. چنان‌که با تمثیل زمین پاک و زمین ناپاک، مؤمنان را به این مهم متوجه می‌سازد (ر.ک: اعراف: ۵۸).

از دیگر موارد و شرایطی که درباره مسئله جمعیت در قرآن کریم بیان شده، پرهیز از تفاخر و فخرفروشی به کثرت جمعیت است. قرآن کریم تفاخر به کثرت جمعیت را به شدت نهی کرده و ازدیاد مال و جمعیت یک قوم را مایه تفاخر و تکاثر آن طایفه نمی‌داند (استادی، ۱۳۸۳، ص ۴۱۹). البته این بدان معنا نیست که خداوند با تعدد نفوس انسانی مخالف است؛ بلکه به این معناست که مال دنیا و فرزند و ... نباید انسان را از رسالت اصلی و کمال واقعی‌اش دور کند و حب دنیاطلبی و دنیاخواهی در او رسوب کند و او را از یاد آخرت غافل گرداند؛ کمالینکه در آیه ۹ سوره شریف منافقون، به انسان هشدار می‌دهد که مبادا مال و فرزند، او را از خدا غافل کند و نکته ظریفش این است که اگر خداوند همسر و فرزند و کسب روزی مادی را ناشایست می‌دانست، در این آیه می‌توانست به جای هشدار، انسان را از کسب مال دنیوی و تولید نسل نهی کند.

دست‌آورد انقلاب اسلامی و سیاست‌گذاری‌های جمعیتی در ایران

ایران با وجود نرخ رشد جمعیتی متناسب با وضعیت اقلیمی، جغرافیایی و خدماتی خود (تراکم جمعیتی مناسب)، با اتخاذ سیاست‌های خاص و با تشویق سازمان‌های بین‌المللی، مسیری را طی کرد که متعاقب آن، شخص اول مملکت، رهبر معظم انقلاب اسلامی، تبیین و ادامه این سیاست‌ها را از اواسط دهه هفتاد اشتباه، و حتی مستوجب توبه و استغفار دانستند (سخنان رهبری، ۱۳۹۱/۷/۱۹). جمهوری اسلامی ایران اکنون از باروری طبیعی، به یک باروری ارادی رسیده است؛ اما همین ارادی بودن باروری، تبعات سنگینی را برای این کشور در پی خواهد داشت که از آن جمله می‌توان به ضعف ایران در تکامل فرایند قدرت‌سازی و اقتدار مشروع خود اشاره کرد. لذا با توجه به موضوع این مقاله، در ادامه، برخی از سیاست‌های جمعیتی ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی را بیان خواهیم کرد.

فرض کنیم سیاست جمعیتی کشور بیست و اندی سال پیش (۱۳۶۵ش) با دید کارشناسی تهیه شده است؛ بدیهی است که پس از گذشت این مدت، لزوم بررسی سیاست‌ها،



ارزیابی نتایج و امکان تجدیدنظر احتمالی، تقویت شده باشد. در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، مصوب ۱۳۶۵ در زمینه خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور در بخش جمعیت، چنین آمده است:

بر مبنای بررسی‌های به‌عمل‌آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۶/۴ مولود زنده به‌دنیاآمده در طی دوران بالقوه باروری یک زن (سال ۱۳۶۵) به چهار نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۳/۲ به ۲/۳ درصد در همین مدت با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه امکان‌پذیر خواهد بود. ازاین‌رو کاهش باروری عمومی زنان تا حد چهار نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۰ مهم‌ترین هدف‌های درازمدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف‌ها، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۲/۹ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه‌ریزی‌شده بر متغیر باروری، به‌عنوان عمده‌ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است (ر.ک: قانون برنامه اول توسعه).

لذا با توجه به همین سیاست تعدیل موالید، قرار بر این بود که نرخ باروری در ایران تا سال ۱۳۹۰ ش، به ۴ برسد، درحالی‌که با اجرای سیاست تعدیل جمعیت در سال ۱۳۶۸، تنها پس ازگذشت چهار سال، نرخ باروری در ایران از ۳/۶ در سال ۱۳۶۵ به ۴ در سال ۱۳۷۲ رسید! جالب توجه اینکه در سال ۱۳۷۲ ش با حصول نتایج دلخواه سیاست‌های جمعیتی مورد نظر در برنامه توسعه اول و جلو افتادن از این سیاست‌ها، در مجلس شورای اسلامی، قانون تنظیم خانواده با حداکثر آرا به تصویب نمایندگان مردم رسید و بر مبنای آن، برای محدود کردن کثرت اولاد، فرزندان متولدشده بعد از فرزند سوم، از کلیه امتیازات سلامتی، بهداشتی، بیمه-ای و اغلب خدمات دیگر محروم شدند. نتیجه این سیاست جدید جمعیتی در کنار سایر سیاست‌ها این شد که نرخ باروری از عدد ۴ در سال ۱۳۷۲ به عدد ۲/۵۲ در سال ۱۳۷۵ رسید و در سال‌های بعد نیز به روند کاهشی خود ادامه داد.



در همین سال (۱۳۷۲) «صندوق جمعیت سازمان ملل متحد»^۱ وامی ۱۵۰ میلیون دلاری برای تنظیم خانواده در ایران اختصاص داد؛ این در حالی بود که یک سال پیش از آن، یعنی در سال ۱۳۷۱ نیز در وزارت بهداشت ایران، با مساعدت‌های مالی سازمان‌های بین‌المللی، بودجه لازم برای کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران، افزایشی صددرصدی یافته بود. البته این سیاست‌های مالی حمایتی از طرف سازمان‌های بین‌المللی در سال‌های بعد نیز ادامه یافت؛ به نحوی که در سال ۱۳۷۹، بانک جهانی، به‌رغم تحریم‌های مالی علیه ایران، در جهت افزایش کیفیت اجرای برنامه‌های تحدید موالید و خدمات کنترل جمعیت، وامی ۸۶ میلیون دلاری به ایران داد.

از دیگر سیاست‌های جمعیتی ایران در این دوره، طرح «سلامت بلوغ» بود که وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۰ ش در مدارس ابتدایی و راهنمایی اجرا کرد. این طرح برای پایه‌های چهارم و پنجم ابتدایی و نیز تمام پایه‌های مقطع راهنمایی در نظر گرفته شده بود. در این طرح، بهداشت باروری و آموزش جنسی، از اهم موضوعات دوره آموزشی لحاظ شده بود. این طرح ناسنجیده، به‌رغم هدف پیشگیری و... که برای آن برشمرده شده بود، به بلوغ زودرس، حیازدایی در میان نوجوانان مخاطب این طرح و توسعه فساد در سنین پایین منجر شد (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳، ص ۳۸).

در سال ۱۳۸۶، شورای انقلاب فرهنگی، تدریس درس «دانش خانواده» را با هدف تبیین اخلاق، حقوق و نقش اجتماعی خانواده و... اجباری کرد؛ اما در عمل، آنچه در محتوای این درس، به دانشجویان آموزش داده می‌شد، همان مسائل مربوط به «تنظیم خانواده»، راهکارهای پیشگیری در حین رابطه سالم و... بود.

در کنار این سیاست‌گذاری‌ها، دولت جمهوری اسلامی، با تأمین و توزیع گسترده وسایل پیشگیری از بارداری، حتی به‌صورت رایگان در مناطق روستایی و محروم کشور، مشروط کردن برخی خدمات حکومتی، دولتی و نهادهایی مثل کمیته امداد حضرت امام علیه السلام، به ارائه مدارکی از

1. UNFPA: The United Nations Population Fund



قیل برک تنظیم خانواده و...، استمرار در تبیین تبلیغی و رسانه‌ای مبتنی بر حسن کاهش جمعیت و لزوم جلوگیری از مولید و بسیاری برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی دیگر، بر اجرای سیاست‌های جمعیتی اشتباه اصرار ورزید و متأسفانه هنوز هم آن‌چنان که باید و شاید، در جهت تعدیل این سیاست‌ها، اقدامی اصولی، قاطع و عاجل صورت نپذیرفته است.

امروزه ایران با جمعیتی بیش از ۷۸ میلیون نفر، هجدهمین کشور پرجمعیت جهان و دهمین کشور پرجمعیت قاره آسیا به شمار می‌رود؛ بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰، ترکیب جمعیتی ایران نشان‌دهنده پنجره جمعیتی فعالِ حداکثری برای ایران است؛ به نحوی که این پنجره جمعیتی، حدود ۷۱ درصد کل جمعیت کشور را به خود اختصاص داده و این جمعیت مولد و یا بالقوه از نظر اقتصادی می‌تواند برای کشور ایران و به نوعی در جهت افزایش قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی، یک فرصت طلایی باشد. این در حالی است که در همین پیک جمعیتی (۱۵ تا ۳۴ ساله)، جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله در معرض اشتغال، ازدواج و متقاضی مسکن، سهمی ۳۲ درصدی از جمعیت ایران را تشکیل داده‌اند که طبق تعریفی که از قدرت یک کشور در مباحث پیشین شد، ناکارایی حکومت در بسیج منابع و عرضه نکردن خدمات مناسب به این پیک جمعیتی، در کنار پایین بودن درآمد سرانه و روی آوردن دولت به خام‌فروشی و تسلط کافی نداشتن بر منابع طبیعی، عملاً تأثیر عنصر جمعیت بر افزایش قدرت سیاسی را چه در سطح داخل و چه در سطح بین‌الملل، کم‌رنگ و اغلب حتی بی‌اثر کرده است.

پنجره جمعیتی فعال (جمعیت فعال) در اصطلاح مجموع افراد، اعم از زنان و مردانی هستند که نیروی انسانی لازم را برای تولید ثروت و خدمات پدید می‌آورند. پنجره جمعیتی فعال می‌تواند شامل این گروه‌ها باشد: مدیران واحدهای تولیدی، مزدگیران، کارگرانی که به حساب خود کار می‌کنند، کارگران خانوادگی بی‌مزد، نیروهای نظامی و انتظامی، نیروهای خدماتی (خدمتکاران)، شاغلین و بیکاران، کسانی که برای اولین بار به دنبال کار می‌گردند، نیمه‌بیکاران (کسانی که در طول سال یا در طول روز، فقط اندک زمانی به کار و تولید اشتغال دارند) و... در تعریفی دیگر از پنجره جمعیتی، می‌توان دوره زمانی نسبتاً کوتاه از تحولات جمعیتی یک کشور را در نظر گرفت که در طول این دوره، نسبت جمعیت در سنین

فعالیت (جمعیت فعال) به حداکثر می‌رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی برای کشور مهیا می‌شود. نکته جالب این است که ایران از سال ۱۳۸۵ وارد پنجره جمعیتی شده است که این پنجره برای مدت تقریبی چهل سال و حداکثر تا سال ۱۴۲۵ ش باز می‌ماند (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳، ص ۱۸-۲۱؛ شیخاوندی، ۱۳۵۱، ص ۶۲-۶۰).

با مروری بر سیاست‌های جمعیتی اتخاذ شده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بررسی وضعیت فعلی جمعیت کشور، مشاهده می‌شود که پس از موج نخست پرزایی در ابتدای انقلاب اسلامی که عملاً جمعیت کشور را در طی سی سال، دو برابر کرد، سیاست‌های دولت‌ها تا امروز این بوده که سطح رشد جمعیت را به سطح بازتولید آن بازگردانند. این سیاست، یکی از موفقیت‌های بزرگ کشور ما در میان کشورهای در حال توسعه بوده و در سطح بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده؛ حتی در بسیاری از کشورها به عنوان الگوی مدیریت توسعه جمعیتی پیشنهاد شده است.

گفتنی است که ایران به دلیل اتخاذ سیاست‌های جمعیتی و موفقیت در اجرای آن‌ها، در میزان کنترل باروری و ارادی کردن این میزان، در میان حدود ۷۵ کشور در حال توسعه، مرتبه اول را به دست آورده و طی همین سال‌ها، از سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان بهداشت جهانی و فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده، سه جایزه جهانی دریافت کرده است. این موفقیت‌های کنترل جمعیتی تا اندازه‌ای بود که در سال ۱۳۷۳، رئیس فدراسیون بین‌المللی تنظیم خانواده، با اشاره به موفقیت‌های ایران در این زمینه، از سایر کشورهای اسلامی هم خواست تا با پیروی از الگوی کنترل جمعیت در ایران، سیاست‌های مطلوب جمعیتی را در پیش گیرند.

تجربه انتقال جمعیتی کشورهای مختلف جهان نشان می‌دهد برخی از کشورها به سبب رشد فزاینده جمعیتی و نبودن تناسب بین جمعیت و امکانات، به مشکلات دوره گذار و ماقبل گذار جمعیت، و برخی دیگر نیز به مشکلات مابعد گذار جمعیتی گرفتار هستند. به عبارت دیگر، اکثر کشورهای جهان به نوعی با مسائل ناشی از عدم تعادل جمعیتی مواجه‌اند.



شعارهایی مانند «دو بچه کافی است»، «فرزند کمتر، زندگی بهتر»، «فرزند کمتر، رفاه و تربیت بیشتر»، و «سلامت مادر و کودک، باروری سالم و فاصله‌گذاری مطلوب»، در دهه هفتاد برای وضعیت جمعیتی با باروری بیش از شش فرزند، مناسب بود؛ اما تداوم این گونه سیاست‌ها، متأسفانه در نهایت به ظهور مسائل جمعیتی مابعد گذار در دهه اخیر در ایران منجر شده و سیر نزولی شدیدی یافته است؛ چراکه تحولات سطوح باروری، چه در ایران و چه در سایر کشورهای جهان، نشان داده است که کاهش زادوولد، در سطح دو بچه متوقف نخواهد شد، بلکه روند کاهشی آن تا سطح باروری پایین (کمتر از سطح جانشینی ۲/۱ فرزند) و بسیار پایین (کمتر از میزان باروری کل ۱/۳ فرزند) ادامه خواهد یافت که پیش‌بینی سازمان ملل متحد نیز سناریوی حد پایین را تأیید می‌کند. از سوی دیگر، رد سیاست دوفرزندگی و طرح سیاست‌های افزایش زادوولد، تجربه تلخ مسائل دوره گذار جمعیتی را برای بسیاری از مردم و مسئولان زنده خواهد کرد؛ اما ما اکنون در شرایطی هستیم که حتی اگر سیاست‌هایی در جهت افزایش زادوولد در پیش بگیریم، هرگز نتایج قبلی را به بار نخواهد آورد؛ بلکه شرایطی فراهم خواهد کرد که چرخه جدید مسائل و مشکلات مرحله مابعد گذار را تعدیل کنیم.

بنابراین نمی‌توان یک‌باره و به‌طور مطلق حکم به نفی افزایش یا کاهش جمعیت داد. توجه به مجموع شرایط و زیرساخت‌ها، شرایط اکولوژیکی، اقلیمی و تنوع آب و هوایی، تولیدات و محصولات کشاورزی و صنعتی، نیروی کار، فرهنگ کار و... امری ضروری است. از این‌رو ممکن است در مقطعی افزایش جمعیت، امری مطلوب باشد، و در مقطعی دیگر کاهش آن.

از جمله شرایطی که در هنگام اتخاذ سیاست‌های جمعیتی باید مد نظر قرار گیرد، میزان توانمندی حکومت و دولت برای عرضه خدمات به جمعیت خود و فراهم آوردن امکانات لازم برای تحصیل، اشتغال و رفاه آن‌هاست؛ از سویی دیگر باید سیاست‌هایی در پیش گرفت که احیاناً خود این تحصیلات و اشتغال و... موجب کاهش رشد ازدواج و تولید نسل نباشد؛ به عنوان نمونه، امروزه افزایش آگاهی عمومی، موجب ارتقای میزان تحصیلات و افزایش تمایل به اشتغال متناسب با این تحصیلات در کشور ما شده است. اگر این وضعیت پیش‌آمده در ارتقای سطح تحصیلات از یک سو و افزایش تعداد بیکاران از سویی دیگر را مد نظر قرار



دهیم، مسائل دیگری نیز از این قضیه استنباط می‌شود؛ مثلاً اینکه اغلب دختران و پسران جوان به بهانه ادامه تحصیل، ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند که این خود می‌تواند در کاهش رشد جمعیت و برهم زدن اعتدال جمعیتی مؤثر باشد؛ از سویی دیگر، بحث بیکاری و تأمین نبودن مالی و به عبارتی دیگر مشکلات اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل بالا رفتن سن ازدواج در جوانان و تمایل نداشتن زوج‌ها به داشتن فرزند است.

جالب است که معضل بیکاری بهانه‌ای مناسب برای پسران جوان شده که ازدواج نکنند یا فرزند نخواهند؛ در نقطه مقابل، اشتغال دختران و زنان و فعالیت‌های اقتصادی این قشر در بیرون از خانه نیز در روند رشد منفی جمعیت کشور، تأثیر بسزایی داشته است؛ به‌ویژه که میزان تحصیلات دختران در ایران و تعداد دختران دانشگاهی و فارغ‌التحصیل، در حال افزایش است و آن‌ها به‌ندرت راضی می‌شوند که در خانه بمانند و خانه‌داری کنند و بیشتر تمایل به استفاده از علم خود و البته اشتغال در بیرون از خانه دارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکار

در کشور ما پس از انقلاب اسلامی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بحث کنترل جمعیت از طریق «تنظیم خانواده»، موضوعی بحث‌انگیز بوده است. چالش‌های جمعیتی در قالب محورهای نظیر مسائل جمعیت و شهرنشینی، جمعیت و اشتغال، جمعیت و محیط زیست، توزیع درآمد و فقر، امنیت غذایی، شاخص سواد و آموزش، برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان، سیاست اجتماعی، بهداشت و سلامت، تغییر ساختار سنی جمعیت و پیامدهای آن، و آینده باروری در ایران، مطرح و بحث و بررسی شده است. اهمیت موضوع تا جایی است که با نگاهی اجمالی به روند رشد جمعیت از دهه پنجاه تا دهه هفتاد (۱۳۵۵-۱۳۷۵)، شاهد دوبرابر شدن جمعیت ایران هستیم. در سال ۱۳۷۵ جمعیت ایران، حدود ۶۰ میلیون نفر گزارش شد که این رقم در سال ۱۳۹۴ به ۷۸ میلیون نفر رسیده است. از نظر جمعیت‌شناسان، بیست سال گذشته دوره انفجار جمعیت جوان در کشور بوده است. از این‌رو برنامه تنظیم جمعیت در ایران پس از انقلاب، میان دولتمردان به یک سیاست راهبردی تبدیل گردید. به‌ویژه مشکلات



جنگ و پس از آن، نابسامانی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تحریم‌ها و نیز مشکلات فراروی کشور در بخش آموزش، بهداشت، مسکن و... زمینه‌ساز تبدیل «کنترل جمعیت» و «تنظیم خانواده» به یک موضوع راهبردی شد. اکنون پیامد این موضوع در دهه نود، این شده است که ما با افت شدید جمعیت مواجه هستیم و در چند سال آینده با رشد منفی جمعیت و پیر شدن تدریجی جمعیت مواجه خواهیم شد. به هر حال این موضوع با توجه به تأثیرات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی گسترده‌اش، از جمله موضوعاتی است که باید به جد مورد بحث اندیشمندان قرار گیرد. این پیامدهای ناخوشایند موجب شده است نظام اسلامی در این موضوع تجدیدنظر کند و پیامدهای منفی سیاست کنترل جمعیت را جدی بگیرد. به عبارت دیگر همان‌گونه که سیاست‌مداران کشورهای صاحب قدرت و مدعی قدرت در معادلات جهانی و منطقه‌ای، به دنبال افزایش جمعیت کشور خود هستند و سیاست‌های تشویقی فراوانی را اجرا کرده‌اند، دولتمردان ما نیز با توجه به نص صریح قرآنی و متون اسلامی، باید در جهت ازدیاد نفوس، سیاست‌های حمایتی و تشویقی مناسب را در پیش گیرند. برای مثال رهبران ترکیه برای افزایش جمعیت به تکاپو افتاده‌اند. به طور کلی سیاست فعلی ترکیه در منطقه که به افزایش نقش این کشور در منطقه منجر شده است، نیازمند حفظ و افزایش جمعیت ترکیه به عنوان یکی از ابزارهای قدرت است. این نمونه می‌تواند الگویی برای سیاست‌مداران و متولیان فرهنگی و سیاسی ما باشد تا با استناد به آموزه‌های دینی و شریعت متعالی اسلامی، بتوانند معزل پیش رو و عدم تعادل جمعیتی را به سرانجامی نیکو برسانند.

از سوی دیگر در تبیین رابطه قدرت حاکمیت و اقتدار دولت-ملت، علاوه بر حجم جمعیتی، عوامل بسیار دیگری را نیز می‌توان دخیل دانست. به تعبیری دیگر، فقط تمایل به ازدیاد جمعیت و داشتن حجم جمعیتی بسیط طبق آموزه‌های دینی، نمی‌تواند ضامن قدرت و تأثیرگذاری یک حکومت یا دولت-ملت در سطح ملی و بین‌المللی باشد؛ بلکه به رغم تأثیر روشن جمعیت بر سطح اقتدار یک ملت، مواردی دیگر از قبیل سطح آگاهی عمومی، پنجره جمعیتی فعال، درآمد سرانه ملی، مدیریت منابع ملی و طبیعی، توانمندی حکومت در پاسخ به توقعات و نیازهای حجم جمعیتی تحت اشراف در محدوده سرزمینی

خود، و حتی عرضه خدمات مقتضی و متناسب با شأن شهروندی به شهروندان خود در خارج از مرزهای ملی، تمایل حکومت به کسب مشروعیت و اقتدار در سطح ملی و بین‌المللی نیز می‌تواند بر میزان تأثیرگذاری یک دولت - ملت در سطح ملی و بین‌المللی و شاخصه‌های قدرتمندی و اقتدارگرایی آن مؤثر باشند.





منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آشوری، داریوش، ۱۳۸۴، *دانشنامه سیاسی*. ج ۱۱، تهران، انتشارات مروارید.
۲. آهن چی، علیرضا، بی تا، «عناصر تشکیل دهنده دولت در نظام بین الملل کنونی»، وبگاه رسمی مجمع اتحاد دانشجویان جهان اسلام: <http://www.rohama.org/fa/> تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۲/۲۵
۳. مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر.
۴. امام خمینی رحمته الله علیه، *صحیفه امام*، ج ۷، تهران. موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. البوطی، محمد سعید رمضان، ۱۴۰۹ق، *مسأله تحدید النسل: وقایه علاجاً*. دمشق، مکتبه الفارابی.
۶. احمد، خورشید، ۱۳۹۵ق، *استعراض علمی لحركة تحدید النسل*، بیروت، مؤسسه الرساله.
۷. احمدی، بابک، ۱۳۷۳، *مدرنیته و اندیشه انتقادی*. تهران، نشر مرکز.
۸. استادی، رضا، ۱۳۸۳، *آشنایی با تفاسیر - عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآنی*. ج ۲، تهران، نشر قدس.
۹. حسین آبادی، فرشته، «کاهش جمعیت جوان روی خط هشدار»، روزنامه رسالت، ۱۳۹۲/۲/۳.
۱۰. حسینی، حاتم، ۱۳۸۶، *درآمدی بر جمعیت شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*. همدان، انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
۱۱. خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵، خبر شماره ۸۸۱۲۵۰۲۲۶؛ تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۲/۱۲
۱۲. خرازی، محمدباقر، بی تا، «نظریه کنترل جمعیت و دیدگاه‌ها»، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۳۱۱.
۱۳. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳، *چه بر سر جمعیت آمده است؟* (بولتن خبری شماره ۱)، تهران، انتشارات سازمان بسیج دانشجویی خاوران.
۱۴. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳، *چه بر سر جمعیت آمده است؟* (بولتن خبری شماره ۲). تهران، انتشارات سازمان بسیج دانشجویی خاوران.
۱۵. رادمنش، محمد، ۱۳۷۴، *آشنایی با علوم قرآن*. ج ۴، تهران، علوم نوین / جامی.
۱۶. زنجانی، حبیب‌اله و دیگران، ۱۳۸۱، *جمعیت، توسعه و بهداشت باروری*. تهران، نشر و تبلیغ بشری.
۱۷. سیدمیرزایی، محمد، ۱۳۸۱، *جمعیت شناسی عمومی*. تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱۶ ش.



۱۹. سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۹ ش.
۲۰. سخنان مقام معظم رهبری در اجتماع مردم بجنورد، ۱۳۹۱/۷/۱۹.
۲۱. شیخاوندی، داور، ۱۳۵۱، جمعیت‌شناسی و برنامه‌ریزی آموزشی. تهران، نشر و پخش کتاب جار، چاپخانه بهمن.
۲۲. شیخی، محمدتقی، بی‌تا، جمعیت و تنظیم خانواده. بی‌جا، بی‌نا، ص ۶۵؛ به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، «سیاست‌های کنترل جمعیت؛ اهداف و نتایج»، تاریخ دسترسی ۱۳۹۴/۱/۳.
۲۳. کلود شستلند، ژان و دیگران (۱۳۷۸). جمعیت جهان: چالش‌ها و مسائل، ج ۱، ترجمه محمد سیدمیرزایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. مجمع تشخیص مصلحت نظام، بی‌تا، قانون برنامه اول توسعه. تهران، سازمان انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۵. مرکز آمار ایران، <http://www.amar.org.ir>: سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن در سال‌های ۸۵-۱۳۳۵.
۲۶. مظلومی، رجبعلی، ۱۴۰۳ق، پژوهشی پیرامون آخرین کتاب الهی (فهم قرآن). ج ۴، تهران، نشر آفاق.
۲۷. معرفت، محمدهادی؛ وکیلی، ابومحمد، ۱۳۷۴، آموزش علوم قرآن ترجمه التمهید فی علوم القرآن، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۸. مهدی رضوانی، بی‌تا، «قدرت خاموش شیعه در تکران نفوس»؛ <http://www.shia-online.ir>؛ تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۲/۲۰.
۲۹. نوری‌زاد، صمد، ۱۳۸۳، آن سوی آیه‌ها: نگرشی بر اعجازهای پزشکی قرآن، چ ۱، قم، آیت عشق.
۳۰. نیلی، مسعود، بی‌تا، «دورنمای پیش روی اقتصاد ایران چگونه است؟»، وبسایت تبیان، تاریخ دسترسی ۱۳۹۳/۱۲/۲.
۳۱. هیر، دیوید ام، ۱۳۸۰، جامعه و جمعیت: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت، ترجمه یعقوب فروتن، بابل‌سر، دانشگاه مازندران.

32. Berman, Marshall, 1988, All that is solid melts into Air: the Experience of Modernity. New York, Penguin.
33. Giddens, Antoney, 1994, Beyond Left and Right, Cambridge, Polity Press.

